




نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷

صفحات: ۱-۱۷

10.29252/mmi.53.13990307 

واکاوی وجوه فرهنگی با بنیان‌های مراسم مذهبی در میراث مسکونی با تأکید بر خانه‌های تاریخی مسلمانان اصفهان*

آزاده حریری** بهنام پدram*** مریم قاسمی سیچانی****

چکیده

آیین‌های جمعی همواره در تعامل با خانه، نشان خود را بر کالبد، کارکرد و محتوای آن بر جای گذاشته‌اند. خانه‌هایی با فضاها و عملکرد آیینی، نقش بنیادین در شکل‌دهی ساختار اجتماعی محلات تاریخی و پایه‌های اعتقادی و فرهنگی جامعه ایفا کرده‌اند. برگزاری آیین‌ها و مراسم مذهبی در هر خانه، تقویت‌کننده پیوندهای اجتماعی آن خانه و جامعه محسوب می‌شده است. در این میان در فرهنگ شیعه، مراسم عزاداری ایام محرم و صفر دارای اعتبار معنایی بالارزشی است و زمینه‌ساز مجموعه‌ای از آیین‌ها و مراسمی بوده که به مرور عملکرد اجتماعی متنوعی یافته و جزئی از فرهنگ عامه شده است. در دوره صفوی و قاجار به دلیل نقشی که مراسم مذهبی در حیات اجتماعی جامعه ایفا می‌کرد، مکان‌های مشخصی برای برگزاری مراسم مذهبی که مهم‌ترین آنها آیین عاشورایی بود، به وجود آمدند. ابهام در جایگاه بنیان‌های مذهبی و آیینی تأثیرگذار در آفرینش و تداوم میراث مسکونی اصفهان و مغفول ماندن این وجوه در فرآیند حفاظت و شناخت میراث معماری، انگیزه اصلی ورود به پژوهش حاضر بوده است. این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی به چگونگی تأثیرگذاری آیین‌های مذهبی خانگی بر وجوه معنایی، کارکردی و کالبد میراث مسکونی بوده است. هدف اصلی در راستای پاسخ‌گویی به چگونگی تأثیرات آیین‌ها و مراسم مذهبی مسلمانان در ساختار خانه‌های تاریخی اصفهان به این قرار است؛ با تحلیل نحوه تعامل آیین‌ها و مراسم مذهبی مسلمانان به‌عنوان یکی از بن‌مایه‌های هویتی- مذهبی ایرانیان در نظام محتوایی- کارکردی و کالبدی میراث مسکونی، به تبیین تغییرات و آثاری که در ساختار خانه‌های تاریخی اصفهان بر جای گذاشته پرداخته شود. این پژوهش، با روش توصیفی- تحلیلی و با هدف توسعه‌ای و بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام شده است و یافته‌ها طبق روشی کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر، تحلیل شده‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که تعامل و تداوم پیوند آیین‌های مذهبی و خانه‌های تاریخی اصفهان، باعث آفرینش ابژه‌های عزاداری خانگی شده است. این ابژه‌ها در قالب افزایش فضاها و عناصر مذهبی در خارج مرزهای کالبدی و به صورت هم‌پیوند با خانه و تغییرات در سازمان‌دهی فضایی، فرم تالار، اثاثیه و تزئینات وابسته به معماری تجلی یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: خانه‌های تاریخی اصفهان، آیین و مراسم مذهبی، عزاداری خانگی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آزاده حریری با عنوان «تبیین وجوه فراکالبدی میراث مسکونی با رویکرد تکمیل راهبردهای حفاظت از خانه‌های تاریخی اصفهان» به راهنمایی دکتر بهنام پدram و مشاوره دکتر مریم قاسمی سیچانی در دانشگاه هنر اصفهان است.

** دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان. haririarc@gmail.com

*** دانشیار، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول). b.pedram@au.ac.ir

**** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان). Mghasemi@khuisf.ac.ir

مقدمه

برگزاری آیین‌های مذهبی در بستر خانه تاریخی تنها عادت‌واره‌ای مذهبی نیست، بلکه کنشی است که به بازتولید و بازتعریف مفاهیمی همچون آرمان‌های مذهبی - حماسی، افزایش روحیه انسجام و هم‌بستگی بین اهل خانه و محله و تقویت حافظه جمعی می‌انجامد. اعضای خانواده طی این مناسک، از زندگی فردگرایانه روزمره خارج شده و با زندگی و آگاهی جمعی پیوندی مجدد برقرار می‌کردند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۱۳). برگزاری این آیین‌ها به مثابه خلق رویداد اجتماعی در خانه است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای حس تعلق به مکان برای خانه در بین اهالی محله و شهر باشد. بالاترین درجه تعلق خاطر به مکان، حاصل پیوندهای روان‌شناختی فرد با مکان به لحاظ وقوع رویدادهای اجتماعی است که آنها را با شیوه زندگی و تفکرات خود مرتبط می‌داند و تعلق اجتماعی به مکان نامیده می‌شود. از نظر رلف، آیین‌ها از عوامل مهم ایجاد حس تعلق و ماندگاری در مکان هستند (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۸). در واقع، آیین‌ها طیف وسیعی از رفتار و اعمال اجتماعی انسان را در ارتباط با خانه پوشش می‌دهند که با هویت فردی و جمعی افراد پیوند خورده و عامل ایجاد نوعی پیوند میان انسان، خانه و تاریخ بوده است. درک ناصحیح و عدم توجه به این موضوع در طرح‌های باززنده‌سازی، منجر به از هم گسیختگی ساختارهای اجتماعی - فرهنگی خانه از بنیان‌های کالبدی و معنایی و از دست رفتن سرمایه‌های هویتی - مذهبی بافت‌های تاریخی شده است. این پژوهش، در پی دستیابی به نحوه تعامل آیین‌های جمعی با میراث مسکونی اصفهان است تا بتوان در ارائه راهکارهای حفاظت در آینده به این تعامل توجه داشت و از آن بهره‌مند شد.

در میان عوامل متعددی که در طول زمان بر خانه‌های تاریخی اصفهان تأثیر گذاشته، تفکرات مذهبی در قالب برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی، نقش بنیادینی را ایفا کرده‌اند. آیین‌های مذهبی، شیوه عینیت بخشیدن به اساطیر مورد اعتقاد جوامع بشری هستند که می‌توانند با بیان تفکرات اساسی مشترک انسان‌ها درباره زندگی، دستورالعملی برای تداوم مفهوم حیات اجتماعی در خانه‌ها باشند؛ به طوری که آنچه موجودیت کالبدی این خانه‌ها را به ثبات و پایداری رسانده، گرد هم آمدن انسان‌ها با عقاید مشترک و توافق آنها در برگزاری رویدادهای آیینی در این بستر مشترک بوده است. راپاپورت در این باره معتقد است فرم خانه و زیستگاه‌ها، بیانی از نظم کیهانی است که در ذهن انسان

بوده و این نظم را بیان کالبدی بخشیده و بدین ترتیب، به فضا اعتبار مکانی داده است. در اغلب موارد، نظم هندسی و کالبدی، بیانگر نظم اجتماعی و اعتقادی است. به اعتقاد او، الگوی خانه و مجتمع‌های زیستی غالباً مفاهیمی ملی و مذهبی است و تنها مکان‌های مذهبی و بامعنا قابل سکونت و برخوردار از ویژگی‌های انسانی بوده و دارای اعتبار مکانی هستند (راپاپورت، ۱۳۶۶: ۵).

بسیاری از مذاهب، برپایی و اجرای آیین‌ها را در مواقع خاص یا به صورت ادواری توصیه می‌کنند. مکان‌های برپایی آیین‌ها، به مرور زمان در نظر مردم، یادآور خاطرات مذهبی و در نتیجه دارای ارزش معنوی می‌شوند. این ارزش تا جایی است که علاوه بر زمان برپایی آیین‌ها، در سایر زمان‌ها نیز مردم را به سوی خود جلب می‌کند و به‌عنوان فضاهای خاطره‌انگیز، در نقش عامل هویتی شهر و جامعه ظاهر می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۰۶). برگزاری آیین‌های مذهبی، نظم و قواعد خاصی را بر پیکره‌بندی خانه تاریخی اعمال می‌کند. خانه در برگزاری این آیین، از حالت معمول خارج شده و به صحنه‌ای عظیم و گسترده تبدیل می‌شود و کالبد خانه ناگزیر به تطبیق با نوع مراسم است. آیین‌ها با داشتن سه ویژگی تکرارپذیری در زمان و مکان مشخص، برخوردار از ماهیتی نمادین و استعاری، کنش و فعالیتی اجتماعی، با سه مؤلفه اصلی خانه شامل؛ کالبد، معنا و فعالیت، در تعامل و ارتباط نزدیک هستند (علی‌الحسابی و پای‌کن، ۱۳۹۴: ۷۷). از بعد کالبدی، برگزاری آیین‌های جمعی، سبب ایجاد عناصر، لایه‌های تزئینات و فضاهای خاص شده است. از بعد معنا، باعث خلق فضاهای خاطره‌انگیز، بامعنا و نمادین شده و در هویت‌بخشی و حس تعلق به آنها اثرگذار بوده است.

پیشینه پژوهش

آغاز مطالعه در حوزه خانه ایرانی، سابقه طولانی دارد؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از آثار منظوم و منثور عرفا و اندیشمندان، می‌توان به وجوه کالبدی و فراکالبدی خانه ایرانی رسید. با مطالعه سفرنامه‌های تاریخی نیز که سیاح به ارائه توصیفات از شهر اصفهان، بافت مسکونی، خانه‌ها و شیوه زندگی آن دوره تاریخی پرداخته است، تا حدودی اندیشه‌های زیست‌کنندگان و نسبت و روابط انسان‌ها با معماری خانه تبیین می‌شود. در آغاز دوران معاصر و شروع نگارش درباره معماری ایرانی، محققان و مستشرقان غالباً به معماری بناهای عام‌المنفعه و یادمانی همچون کاخ‌ها، مساجد و پل‌ها پرداخته و اشاراتی بسیار محدود به خانه‌ها داشته‌اند. از اولین متون درباره ضرورت حفاظت و توجه به خانه‌های تاریخی

بررسی کرده‌اند. سالک و دیگران (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه تطبیقی خانه‌های بازرگانان ارمنی و اصفهان سده‌های یازدهم و سیزدهم هجری قمری با نگاه به عوامل اعتقادی و اجتماعی تاثیر گذار"، به بررسی ارتباط محرمیت و آموزه‌های دینی و چگونگی ارتقای سطح امنیت و بالا رفتن درآمدهای عمومی و تأثیر گذاری آن در وسعت و تزئینات خانه‌های تاریخی مورد مطالعه پرداخته‌اند. قاسمی سیچانی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله "تبیین نظام طبقه‌بندی اسناد و شواهد تاریخی در مطالعات میراث مسکونی اصفهان"، به ارائه رویکردی نوین در شناخت خانه‌های تاریخی اصفهان بر اساس اسناد و شواهد تاریخی می‌پردازند. در مقاله امین پور و دیگران (۱۳۹۶) با عنوان "بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های سنتی در کالبد مسکن؛ نمونه موردی: خانه سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران" نیز آموزه‌های اسلامی در قالب باورها و ارزش‌های دینی ساکنان خانه و به مثابه متغیر مستقلی هستند که بر ساختار کالبدی خانه به‌عنوان متغیر وابسته مؤثر واقع می‌شوند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که فضاسازی خانه مسلمانان متناسب با نیازهای مادی و معنوی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هویت ظاهری مسکن با نیازهای مادی هماهنگ است و هویت دینی آن با نیازهای معنوی انسان سازگار می‌شود. مطالعات متعددی در ارتباط با خانه‌های تاریخی اصفهان در داخل و خارج کشور ایران صورت پذیرفته‌اند، اما آنچه این تحقیق را از مطالعات گذشته متمایز می‌سازد، بررسی وجوه فراکالبدی و ارزش‌های ناملموس آیین‌های مذهبی خانگی است. کنکاش در تجارب انباشته در حافظه خانه، مبتنی بر عملکردها و لایه‌های معنایی از روش‌هایی است که می‌توان به تبیین چگونگی تعامل آیین‌های مذهبی و ساختار خانه تاریخی پرداخت.

روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و با هدف توسعه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد، مطالعات میدانی و مصاحبه انجام شده و در نهایت، تحلیل داده‌ها بر طبق روش کیفی و از طریق مقایسه و تفسیر بوده است. برداشت‌های میدانی در این پژوهش، نه تنها کالبد فیزیکی خانه را در بر می‌گیرند، بلکه بازشناسی مراسم، حرکات و رفتار جمعی را شامل می‌شوند. جامعه آماری تحقیق نیز خانه‌های تاریخی استان اصفهان در دوران صفوی، قاجار و پهلوی اول است که به ثبت آثار ملی رسیده و از نظر تقسیم‌بندی‌های قومیتی غالباً مسلمان‌نشین بوده‌اند.

اصفهان، می‌توان به کتاب "بخشی از گنجینه آثار ملی" از عباس بهشتیان (۱۳۴۳) اشاره کرد. کاراپت کاراپتیان در سال ۱۳۸۵ در کتاب "خانه‌های ارامنه جلفای نو اصفهان"، مستندسازی ترسیمی و تصویری و گونه‌شناسی کالبدی سیزده خانه ارامنه جلفا نو اصفهان را ارائه می‌دهد. جبل‌عاملی (۱۳۷۵) هم در مقاله خود تحت عنوان "خانه‌های اصفهان در دوران معاصر"، به بررسی تاریخی - تسلسلی خانه‌های معاصر اصفهان (از زمان پیروزی انقلاب مشروطه تا توسعه معماری به اصطلاح مدرن) می‌پردازد. در سال ۱۳۷۷ با تدوین "گنج‌نامه خانه‌های اصفهان"، تک‌نگاشت‌های توصیفی و مستندسازی ترسیمی و تصویری پیرامون بیست و یک خانه تاریخی اصفهان ارائه می‌شوند. دیبا و دیگران (۱۳۹۲) در کتاب "خانه‌های اصفهان"، به گونه‌شناسی شکلی، بررسی نقش طبیعت، توصیف فضاهای معماری و سازه در خانه‌های تاریخی اصفهان می‌پردازند. سیمون آیوازیان (۱۳۷۸) در مقاله "نگاهی به معماری منازل موجود در جلفا"، به بررسی تطبیقی تعدادی از خانه‌های مسلمانان با ارامنه می‌پردازد. قاسمی سیچانی و معاریان (۱۳۸۹) نیز در مقاله "گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان"، خانه‌های قاجاری اصفهان را بر اساس وجوه شکلی و کالبد و قرابت‌های تاریخی، در سه گونه تقسیم‌بندی می‌کنند. در مقاله "گونه‌شناسی کالبدی فضاهای اصلی خانه‌های چند طرف ساخت شهر اصفهان در گستره شکل تهران" نوشته رهروری پوده و دیگران (۱۳۹۷) نیز به طبقه‌بندی شکل تهرانگ اتاق‌های میانی در راستای محور اصلی و فرعی در خانه‌های چند طرف ساخت شهر اصفهان پرداخته شده است. در مقاله "تحلیل ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا؛ مطالعه موردی: مقایسه خانه‌های یزد، کاشان و اصفهان" اثر حیدری و دیگران (۱۳۹۶)، مشخص شد که به رغم استفاده از الگوی ثابت درون‌گرا در خانه‌های شهرهای یزد، کاشان و اصفهان، تفاوت‌هایی در نظام فضایی و الگوی چیدمان فضا در خانه‌های این شهرها وجود دارند؛ از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به وجود عمق فضایی بیشتر، نفوذپذیری کمتر و در عین حال، تفکیک‌پذیری بیشتر بین دو حوزه اندرونی و بیرونی در خانه‌های یزد نسبت به خانه‌های کاشان و اصفهان اشاره کرد. این تفاوت‌ها، ناشی از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان به‌ویژه میزان اهمیت موضوع محرمیت و حفظ حریم خصوصی در خانه بوده‌اند. پدram و حریری (۱۳۹۵) در مقاله "خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان"، گونه‌شناسی عملکردی خانه‌های تاریخی اصفهان و تأثیر گذاری فعالیت‌های جاری خانه را در کالبد معماری

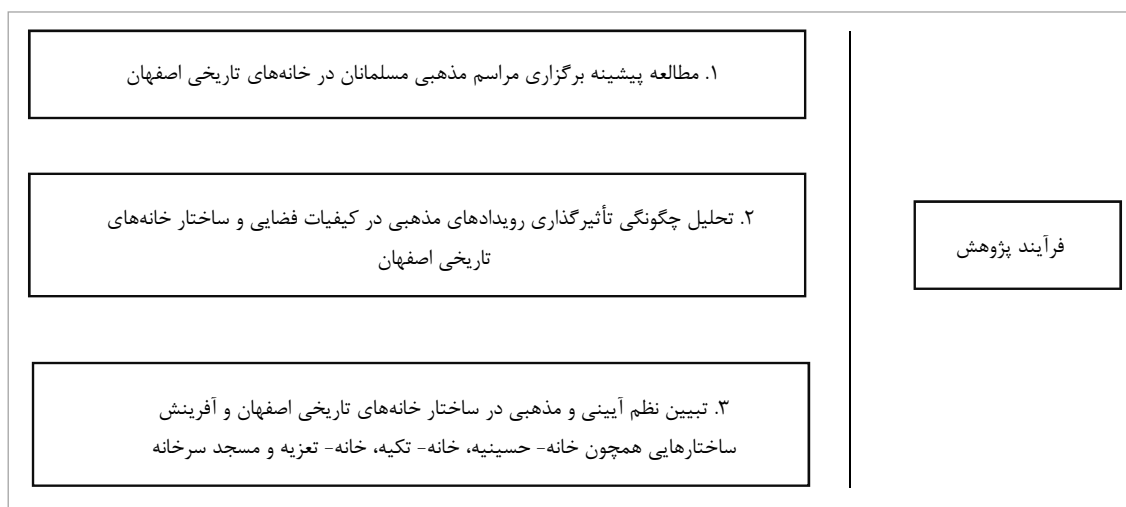
مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش با تمرکز بر پویایی مراسم مذهبی مسلمانان، روند و چگونگی تأثیرگذاری برپایی مراسم مذهبی خانگی در ساختار خانه‌های تاریخی اصفهان بررسی می‌شود. در واقع، نوعی شجره‌نامه فضایی برای مناسک مذهبی مسلمانان و الگوهای رفتاری ناشی از این مراسم در بستر خانه مورد واکاوی قرار گرفته و بر اساس این مطالعات آیینی، تأثیرات و تغییرات ناشی از تعاملات مراسم آیینی و ساختار خانه به منصفه ظهور رسیدند. در این پژوهش سعی بر آن است که با تکیه بر پیشینه برگزاری مراسم مذهبی مسلمانان در خانه‌های تاریخی اصفهان و اطلاعات ثبت‌شده در متون و اسناد تاریخی، به چگونگی تأثیرگذاری این رویدادها در ساختار خانه تاریخی و کیفیات فضایی و آثار اجتماعی منتج از آنها پرداخته شود. اگر برگزاری آیین‌های جمعی - مذهبی در نظام کالبدی و کارکردی - محتوایی خانه قواعد خاصی را به جای گذارد که مستقل از تأثیر سایر عوامل محیطی باشد، در این صورت می‌توان به نظم آیینی و مذهبی در خانه اشاره داشت. تأثیرگذاری آیین‌های مذهبی شیعه در میراث مسکونی اصفهان، منجر به آفرینش ساختارهایی همچون؛ خانه - حسینیه، خانه - تکیه، خانه - تعزیه و مسجد سرخانه شده است (تصاویر ۱ و ۲).

برگزاری عزاداری مذهبی در ایران از دوره صفوی تا پهلوی اول

با روی کار آمدن شاه اسماعیل اولین پادشاه صفوی، تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور ایران اعلام شد. در این میان، عزاداری در ایام شهادت امام سوم شیعیان شکل خاصی به

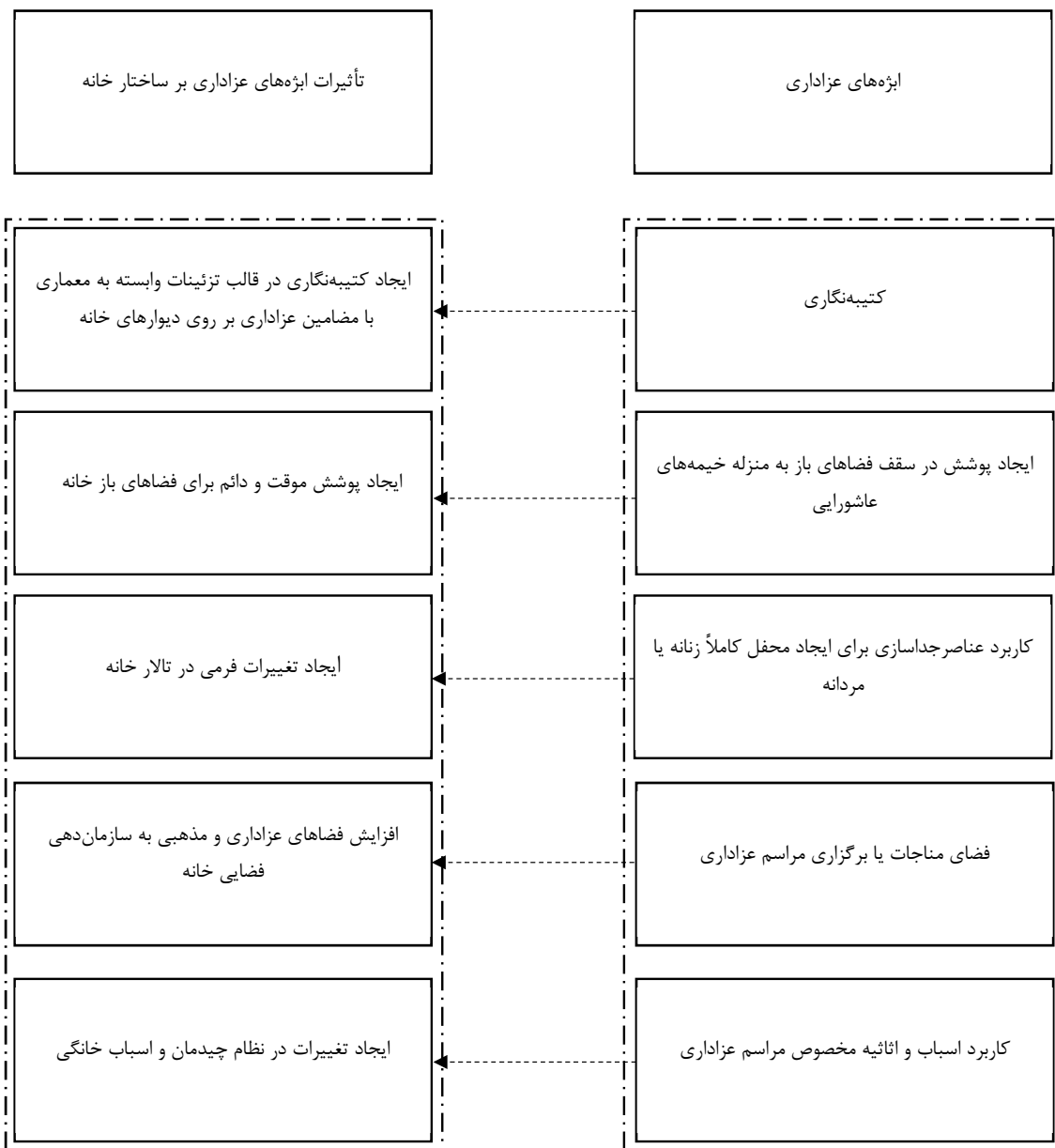
خود گرفت و عزاداری ماه محرم و عاشورا که دارای دو جنبه حماسی و خطابه بود با به راه انداختن دسته‌های عزاداری، نوحه‌خوانی و وعظ در قالب برپایی منابر سخنرانی همراه بود (فروغی ابری، ۱۳۸۸: ۶۴) و به حرکتی عمومی و فراگیر در سطح جامعه تبدیل شد. در دوران صفویه، مراسم عزاداری عاشورا با حمایت حکومت، پیشرفت‌هایی در شکل و محتوا نمود؛ از جمله در زمان شاه اسماعیل، جامعه مداحان شکل گرفت و در دوره شاه طهماسب نیز "مرثیه‌سرایی" و به تعاقب آن "مرثیه‌خوانی" رشد و توسعه یافت. با بررسی گزارش‌های تاریخی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دوره صفوی، برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در خانه‌های شخصی هنوز به رسمی متداول تبدیل نشده بود و بیشتر در فضاهای شهری و عمومی مانند؛ گذرگاه‌ها، تقاطع‌ها و میدانی شهر به‌ویژه میدان نقش جهان اصفهان برگزار می‌شد (میراحمدی، ۱۳۶۹: ۵۷). پس از دوران صفویه، مقطع تاریخی دوره قاجاریه، زمان اوج گسترش مراسم عزاداری عاشورا در تمام سطوح جامعه محسوب می‌شود. اصغر فروغی ابری در کتاب "ایرانیان و عزاداری عاشورا: مراسم سوگواری در گذر تاریخ"، دلایل این گسترش را توجه و حمایت حکومت، بهره‌گیری از تجربیات گذشته و همگن بودن جامعه ایرانی از نظر مذهبی می‌داند (فروغی ابری، ۱۳۸۸: ۶۶). در واقع تا قرن دوازدهم هجری با اینکه مراسم عزاداری عاشورا در تمام سطوح جامعه گسترش یافته بود، هنوز به درون خانه‌های اشخاص، آنچنان که در مجامع عمومی برگزار می‌شد، وارد نشده بود. اما در دوره قاجاریه، بنا بر گزارش‌های تاریخی، این مراسم که یکی از نقاط قوت تشیع است، به صورت گسترده به درون خانه‌ها راه یافت و به‌عنوان بخشی از زندگی ایرانیان در درون جامعه و



و ماهیت برخی الزامات رفتاری آیین‌های عزاداری بود که با ساختار فرهنگی و کالبدی مسجد به‌عنوان بنیادی‌ترین مکان مذهبی مسلمانان تطابق نداشته است.

یکی از ویژگی‌های عزاداری در دوره قاجاریه، توسعه ایام عزاداری است. در دوره صفویه معمولاً عزاداری از ماه‌های محرم و صفر تجاوز نمی‌کرد، اما در این دوره، مراسم عزاداری مدت‌زمان بیشتری برگزار می‌شد و تنها به ماه‌های محرم و صفر محدود نبود (روزنامه چهره‌نما، ۱۲۸۴). همچنین، عزاداری به غیر ایام شهادت امامان نیز معطوف می‌شد و برای رفع برخی از مشکلات، نیت به عزاداری مذهبی می‌کردند؛ به‌عنوان مثال، عزاداری برای رفع وبا، طاعون و حتی گرانی. به‌عنوان نمونه

خانواده پذیرفته شد؛ به‌طوری که از قرن سیزدهم هجری به بعد، حیاط مرکزی در خانه‌های تاریخی اقلیم مرکزی ایران نقش به‌سزایی در اجرای مراسم مذهبی، علاوه بر کارکردهای مربوط به زندگی روزمره، ایفا می‌کرده است. از گزارش‌هایی که نظمیته تهران و اصفهان از محلات مختلف این شهرها در دوره ناصری ارائه می‌دهند، می‌توان به وجود ده‌ها مجلس روضه‌خوانی فقط در داخل خانه‌های شخصی پی برد (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۲۳۵-۱۹۷).^۱ در واقع، آیین‌ها و مراسم عزاداری شیعیان به صورت رسمی از دوران قاجار با ساختار خانه‌ها هم‌پیوند شدند. دلیل ورود مراسم مذهبی جمعی به درون خانه‌ها، کسب منزلت و هویت اجتماعی افراد



تصویر ۲. مدل پژوهش (نگارندگان)

در سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۱ ق. وبا در اصفهان شایع شد و مردم برای نجات از وبا، به امام حسین (علیه‌السلام) متوسل شده و جلسات مفصل عزاداری برپا نمودند و در خانه‌ها آش امام زین‌العابدین به صورت نذری طبخ می‌کردند (سالور، ۱۳۷۴: ۴۸۴). به‌طور کلی، رایج‌ترین شیوه‌ها در درمان وبا عزاداری، توسل به ادعیه و طلسمات بود (تصویر ۳).

شرکت در چهل منبر یا چهل و یک منبر، از جمله سنت‌هایی بود که در دوره قاجاریه مرسوم شد. در این سنت، افراد نذر می‌کردند که در شب عاشورا یا شب شام غریبان در پای چهل منبر شمع روشن کنند. در مراسم روضه‌خوانی در خانه‌های تاریخی اصفهان همچون؛ حاج آقا شجاع، بنکدار و زرگرباشی، این رسم متداول بوده است (روزنامه چهره‌نما، ۱۲۸۴).

تعزیه‌خوانی نیز در آغاز دوره سلطنت قاجار به صورت یک نمایش آیینی- مذهبی، جلوه‌ای برجسته داشته و روند تحول و تکامل خود را می‌پیموده است. رجال درباری، اعیان و اشراف هر یک در دهه محرم در تکیه‌ها یا خانه‌های خود که معمولاً آنها را به شکل تکیه می‌بستند، مجالس سوگ و تعزیه‌خوانی به پا می‌کردند (تقیان، ۱۳۷۴: ۲۳). جیمز موریه نیز در سفرنامه خود، به حضور در مجلس تعزیه در خانه امین‌الدوله حاج حسین‌خان اصفهانی معروف به صدر اصفهانی اشاره می‌کند. طبق توصیفات او، شخصیت‌های سیاسی و مشاهیر در شاه‌نشین و ایوان‌ها و مردم عادی در حیاط اندرون پیرامون منبر می‌نشستند و مجلس با نور شمع روشن بوده است (Morier, 1812: 195). رایس در این باره می‌نویسد؛ در اغلب شهرها یک یا دو خانه وسیع وجود دارد که در آنجا تعزیه (شبیه‌خوانی) برگزار می‌شود. مسلمانان در مواردی برای این منظور وقف می‌کنند. به‌طور کلی، صحن حیاط محل اجرای تعزیه‌خوانی می‌شود، بر دیوارهای آن قالی می‌آویزند و چراغانی می‌کنند. غالباً صحنه بر روی حوض برپا می‌شود (رایس، ۱۳۸۳: ۱۷۱). در دوره قاجاریه، نفوذ تعزیه در خانه‌ها سبب شد که برخی از زنان اعیان و اشراف نیز در خانه‌های خود تعزیه‌خوانی‌هایی برپا کنند که تعزیه‌خوانان آنان از زنان باشند. به بیان دیگر، اگرچه بیشتر تماشاگران تعزیه در تکاپای عمومی و دولتی زنان بودند و جای ویژه و معینی برای نشستن در مجالس تعزیه داشتند، اما بعضی از زنان اعیان و اشراف، هم برای ابراز اخلاص و اعتقاد مذهبی و هم برای تفاخر، به برپایی مجالس تعزیه در خانه‌های خود برانگیخته شدند. تعزیه‌های زنانه ظاهراً از زمان فتحعلی‌شاه در میان زنان و دختران او رواج داشته و تا اواخر دوره قاجار ادامه یافتند. تماشاگران آنها، زنان دربار و خواجه‌سرایان و پسران نابالغ بودند. در این مجالس، زنان روبسته را راه نمی‌دادند تا

مبادا مردی با پوشش زنانه میان زنان بنشیند. نام شماری از زنان درباری و اعیان و اشراف که تعزیه می‌خواندند و به نام «ملاباجی» معروف بودند، در منابع دوره قاجار آمده است. از مکان‌های معروف تعزیه‌خوانی‌های مفصل زنان، خانه میرزا محمدحسین‌خان سپهسالار بوده است. در واقع، زنان قاجاری در مراسم عزاداری مذهبی برای گریز از اندرون خانه‌ها حضوری گسترده داشتند (تقیان، ۱۳۷۴: ۵۰).

با بررسی متون تاریخی مشخص شد عموم مردم در دوره قاجار تلاش داشته‌اند که در عزاداری نقشی درخور توجه ایفا کنند؛ افراد عادی با شرکت خود و افراد متمول و صاحب منصب به منظور اظهار عقیده و نشان دادن مراتب ارادت خود به خاندان رسالت و ائمه، بساط مفصلی در خانه‌های بزرگ یا هیئت‌ها و تکیه‌های عمده شهر برپا می‌کردند. برخی از این متمولین، خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌ساختند که پاسخ‌گوی برگزاری مجالس عزاداری باشد و یا اهتمام به ساخت مسجد و تکیه می‌ورزیدند.

در دوران حکومت پهلوی از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ ه.ش، برگزاری مراسم عزاداری مسلمانان ممنوع شد و غالباً مراسمی در مکان‌های عمومی، تکایا و حسینیه‌ها برپا نمی‌شد و در صورت برگزاری نیز با مخالفت و برخورد جدی حکومت همراه بود. از این جهت، خانه‌ها، بنیادی‌ترین مکان‌ها برای برپایی عزاداری‌های مذهبی در آن برهه تاریخی بودند. به برگزاری مراسم عزاداری در خانه‌ها، "مجالس عزاداری زیرزمینی" می‌گفتند. مردم برای شرکت در این مجالس روضه‌خوانی که در خانه به صورت پنهانی برپا می‌شد، از بیم مأموران حکومتی گاهی از پشت‌بام‌ها به خانه یکدیگر رفت و آمد می‌کردند. روضه‌خوان هم برای اینکه به چنگ مأموران گرفتار نشود، با لباس مبدل به خانه‌ها می‌رفت و در آنجا لباس خود را می‌پوشید (عباسی، ۱۳۷۱: ۲۲۲).



تصویر ۳. نقاشی بازنمایی‌شده از مجلس عزاداری در حیاط خانه یکی از رجال قاجار (تقیان، ۱۳۷۴: ۲۷)

تأثیر برگزاری آیین‌های مذهبی و ابژه‌های مراسم عزاداری مسلمانان در خانه‌های تاریخی اصفهان

خانه‌های زرگرباشی، بنکدار، کلاهدوزان، حاج آقا شجاع، انگورستان ملک، میرزا محمود ملاباشی و حاج میرزا باقر توتونی، نمونه‌هایی از خانه‌های تاریخی شهر اصفهان هستند که به صورت مداوم از دوره قاجاریه تا کنون در آنها مراسم عزاداری امام حسین (ع) برپا بوده است. در حدود دو قرن است که مراسم روضه‌خوانی و عزاداری در ماه‌های محرم و صفر در خانه زرگرباشی برگزار می‌شود. حتی در دوران پهلوی و ممنوعیت برگزاری مراسم مذهبی، وقفه‌ای در برپایی عزاداری‌ها در این خانه ایجاد نشد؛ به طوری که واعظان از طریق پشت‌بام خانه‌های مجاور برای روضه‌خوانی به فضای داخلی خانه وارد می‌شدند. حضور مردم و برپایی مراسم سوگواری مذهبی به صورت پیوسته به حس مکان، شخصیت و ارزش‌های معنوی خانه افزوده است و در پی برگزاری این رویداد در خانه، رفتارها و آداب و رسوم شکل گرفته که مردم سینه به سینه از نسل‌های قبلی انتقال داده‌اند. این رفتارها شامل گرو گرفتن برخی از اشیای روضه‌خوانی این خانه برای روا شدن حاجت است. مردم استان‌های چای‌خانه زرگرباشی را "گرو" می‌برند و بعد از آنکه نذر آنها ادا شد، سال بعد با چند دست استان جدید یا قند و پولکی بازمی‌گردند، در خانه بنکدار نیز این رسم متداول است. عصر روز عاشورا نیز زنان برای حاجت‌روایی، در حیاط خانه کاجی می‌پزند و دستمال سبز به منبر چند صد ساله خانه گره می‌زنند. حاج آقا شجاع صمصام شریعت (۱۳۳۳-۱۲۸۴ ش) نیز از کارآفرینان به نام اصفهان و صاحب اولین بنگاه مسافربری نوین به نام مسافربری سعادت و گیتی‌نورد بوده است. او در محله پاقلعه خانه‌ای خریداری می‌کند و هر سال به صورت پیوسته در آن، مراسم سوگواری امام حسین را برگزار می‌نماید (کیوان، منتشرنشده). در واقع، شناسایی سطح ذهنی فرهنگ عزاداری بدون شناسایی سطح عینی آن امکان‌پذیر نیست. تعامل ابژه‌های مراسم عزاداری و میراث مسکونی از آن حیث که دارای وضوح و بداهت تصور می‌شود، کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. ابژه‌ها به عنوان اجزای فرهنگ در مراسم عزاداری، هر یک دارای کارکرد یا کارکردهایی هستند. هر کارکردی، معطوف به نیازی خاص است که معنای آن را از فرهنگ عزاداری کسب کرده است. این ابژه‌ها در تعامل با میراث خانگی، باعث تغییرات و تحولاتی در ساختار خانه شده‌اند و به عنوان بنیان‌های عینی و ذهنی فرهنگ عزاداری، در تعامل آیین و خانه نقش به‌سزایی دارند (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۰: ۴۷).

ابژه‌ها در فرهنگ و مراسم عزاداری، بیانگر معانی و دلالت‌های مورد نظر در فرهنگ دینی از قبیل؛ هم‌بستگی، دین‌داری، شجاعت و مبارزه با ظالم هستند. ترکیب و تعامل این ابژه‌ها با میراث خانگی، باعث هم‌پیوندی معانی آنها با خانه شده است. خواناسازی این پیوندهای مذهبی در فرآیند حفاظت خانه، موجب ارتقای حس تعلق به مکان و نگاهداشت حافظه جمعی مکان و هویت‌های ملی مذهبی خواهد بود. برخی از این ابژه‌ها در نظام فرهنگی عزاداری شیعیان قابل فهم بوده و خارج از مرزهای کالبدی خانه نیز دارای مفهوم و معنای مشخص هستند مانند؛ پرچم، بیرق، خیمه، شمشیر، علم، اسب و شتر. برخی دیگر در تعامل با معماری خانه شکل گرفته‌اند که ابژه‌های عزاداری خانگی به شمار می‌روند. ابژه‌های عزاداری خانگی شامل؛ کتیبه‌نگاری (به شیوه‌های متنوع در جداره‌های حیاط، تالار، اتاق روضه‌خوانی و عبادتگاه)، پوشش سقف حیاط، تغییرات فرمی تالار، افزودن فضاهایی با کارکرد مذهبی به سازمان فضایی خانگی و کاربرد اسباب و اثاثیه مخصوص هستند.

کتیبه‌نگاری در دیوارهای پیرامون حیاط

خانه‌های تاریخی در برگزاری مراسم عزاداری مذهبی با نوع معماری انعطاف‌پذیر، قابلیت تبدیل به حسینیه موقت را داشته‌اند. به هنگام برگزاری مراسم، با گشوده شدن در اتاق‌ها به سوی حیاط و فضا سازی بدنه حیاط که گاهی ثابت بوده است، تفاوت چندانی بین ساختار خانه و فضای معنوی حسینیه‌ها درک نمی‌شود. دیوارهای اطراف حیاط برخی خانه‌های تاریخی اصفهان به گونه‌ای طراحی و تزئین شده که از لحاظ ساختار و محتوا در هماهنگی کامل با کتیبه‌های پارچه‌ای موقت با مضامین حماسی باشند. در واقع، جزوهای اطراف حیاط، کتیبه‌هایی ثابت با مضامین عزاداری داشته و از این جهت، نیاز به نصب پرچم و کتیبه موقت نبوده و در ایام عزاداری، بدنه‌های حیاط از نظر محتوا آماده این مراسم بوده‌اند. این کتیبه‌ها در خانه‌های تاریخی معمولاً با استفاده از تکنیک گچ‌بری و نقاشی روی گچ اجرا شده‌اند. گاهی از این خانه‌ها به "خانه‌های امام حسین" نیز تعبیر شده و هنوز نمونه‌هایی از این خانه‌ها در شهرهای مختلف استان اصفهان فعال بوده و در ماه‌های محرم و صفر پذیرای سوگواران هستند. خانه‌های ملک‌التجار، ارسطویی آ و یداللهی، نمونه‌ای از خانه‌های امام حسین هستند که کتیبه‌ها به صورت دائمی بر روی جزوهای پیرامون حیاط با آرایه‌های گچ‌بری و نقاشی نگاشته شده‌اند. مضمون کتیبه‌ها در خانه ارسطویی و یداللهی، ترجیح‌بند مشهور محتشم کاشانی در توصیف صحرای کربلا است (صنیع‌زاده، منتشرنشده). در خانه قوام‌نیا نیز که



تصویر ۴. پوشش عزاداری در خانه بنکدار با نقش شیر و خورشید (نگارندگان)

بستر برگزاری عزاداری مذهبی بوده، کتیبه‌ای با تزئینات کاشی و مضمون احادیثی از حضرت محمد (ص) و امام رضا (ع) پیرامون ولایت حضرت علی (ع) مشاهده می‌شود. شیرسره‌های اطراف حیاط نیز بستری برای ثبت مضامین مقدسی همچون "یا ابا عبدالله" و "یا مهدی ادرکنی" بوده‌اند (مانند شیرسر در خانه‌های ملک‌التجار، مشککی و علافچیان). در خانه قدوسی، داستان یوسف و زلیخا به‌عنوان نمونه‌ای از داستان‌های قرآنی در بدنه حیاط کاشی کاری شده است (جدول ۱).

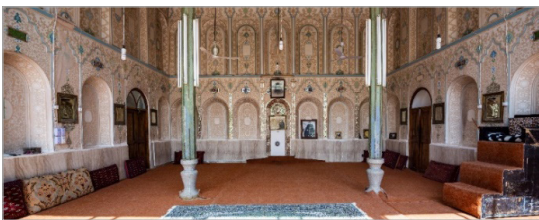
پوشاندن سقف حیاط



تصویر ۵. پوشش دائمی سقف حیاط اندرونی خانه ملک‌التجار (نگارندگان)

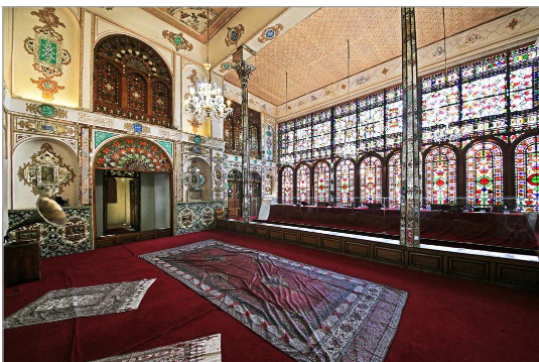
چادر پارچه‌ای که به‌طور سنتی و با زحمت بسیار و مشارکت جمعی ساکنین سقف باز حیاط خانه را می‌پوشاند، آگاهانه انتخاب می‌شود تا نمادی از خیمه‌های امام حسین (ع) و یاران او باشد. در دوره قاجار، بیرق‌های متعددی برای مراسم مختلف وجود داشته‌اند. بیرق مخصوص عزاداری، دارای نشان شیر و خورشید بوده و در اکثر خانه‌ها در مراسم عزاداری همچون خانه بنکدار، پوششی که بر فراز حیاط تعبیه می‌شده، دارای این نشان بوده است (ببری دیزج، ۱۳۸۸: ۹۰۷). نماد شیر و خورشید در محتوای تزئینات کالبدی بسیاری از خانه‌های امام حسین نیز مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، نقش شیر و خورشید در خانه حبیب‌الله حبیبی خوانسار حجاری شده و در خانه ارسطویی نقاشی شده است. در حیاط برخی خانه‌ها به علت برگزاری مکرر مراسم عزاداری، پوشش سقف دائمی ایجاد می‌شود؛ حیاط اندرونی خانه ملک‌التجار از این جمله است که به جهت سهولت برگزاری مراسم روضه‌خوانی سرپوشیده می‌شود (تصاویر ۴ و ۵).

شکل تالار



تصویر ۶. تالار خانه میرزا محمود ملاباشی (عرب، ۱۳۹۷)

شکل تالار در خانه‌های صفوی و قاجار اصفهان غالباً مستطیل، چلیپایی یا نیمه‌چلیپایی بوده است. در خانه‌هایی که به صورت متداول جلسات عزاداری مذهبی برگزار می‌شده، به جهت تفکیک جنسیتی، شکلی برای تالار متداول می‌شود که در تعدادی معدود از خانه‌های قاجاری اصفهان همچون؛ خانه‌های مشیرالملک (چرمی)، میرزا محمود ملاباشی، ملک‌التجار و درمیانی، قابل واکاوی است. در این شکل تالار، پلان تقریباً مربع است و به موازات اُرسی و در وسط ضلع مربع، تخته چوبی در کف به همراه ستون‌های چوبی تعبیه شده و با پرده‌ای (تجیر)، تالار به دو بخش تفکیک می‌شود. در دیوارهای این تالارها نیز مضامین مذهبی، آیات و احادیث خوشنویسی شده که به مثابه پرچم‌های عزاداری بوده‌اند. در برخی خانه‌ها نیز تالاری مختص مراسم روضه‌خوانی با ورودی مجزا شکل می‌گیرد (مانند خانه حبیب‌الله حبیبی در خوانسار) (تصاویر ۹-۶).

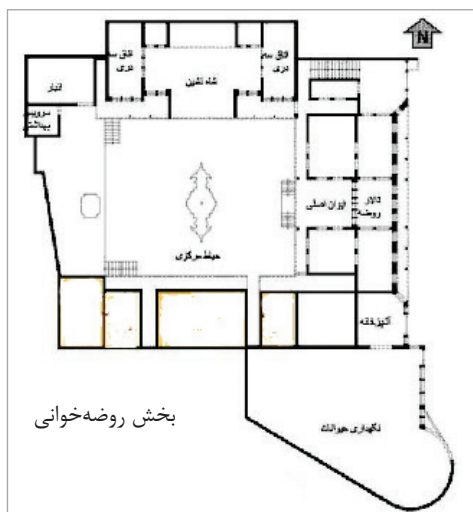


تصویر ۷. تالار خانه مشیرالملک (چرمی) (نگارندگان)

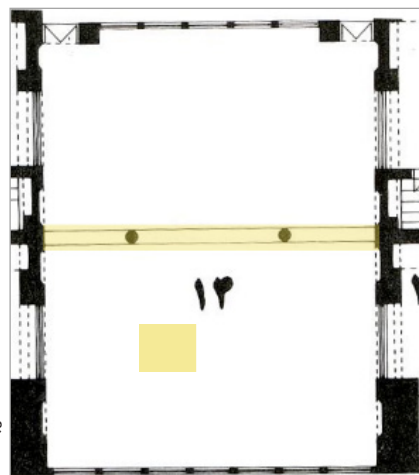
جدول ۱. خوانش کتیبه‌های پیرامون حیاط در خانه‌های تاریخی مسلمانان اصفهان با کاربرد برگزاری منظم مراسم مذهبی موسوم به خانه‌های امام حسین (ع)

نام خانه	مکان کتیبه	محتوای کتیبه	تصاویر
ارسطویی	جرزهای پیرامون حیاط	ترجیع‌بند محتشم کاشانی در وصف صحرای کربلا: باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟ و ^۳	
یداللهی	جرزهای پیرامون حیاط	ترجیع‌بند محتشم کاشانی در وصف صحرای کربلا: باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟ و ^۳	
قوام‌نیا	سطح فوقانی نمای شمالی	احادیث «لَا فَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ» (طبری، ۱۳۶۲: ۱۰۲۷) و «ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» (ابن بابویه، ۱۳۹۰)	
ملک‌التجار	دیوارهای پیرامون حیاط اندرونی (سرپوشیده)	ترجیع‌بند محتشم کاشانی: کشتی شکست‌خورده طوفان کربلا ... ^۴	
قدوسی	دیوارهای ایوانچه	داستان یوسف و زلیخا	

(نگارندگان)



تصویر ۹. پلان خانه حبیبی (اورعی، ۱۳۹۶)



تصویر ۸. پلان تالار خانه ملک‌التجار (حاجی قاسمی، ۱۳۷۷)

بخش جداکننده تالار

مسجد سرخانه و عبادتگاه

در گذشته، خانه‌های تاریخی بستر بسیاری از فعالیت‌های اهل خانه بوده و برخی عملکردهای میراث خانگی در خارج مرزهای نظام کالبدی خانه انجام می‌شده؛ اما دسترسی‌های معینی برای ارتباط خانه با ساختار کالبدی مذکور پیش‌بینی می‌شده‌اند. می‌توان چنین ساختارهایی را به‌عنوان ساختارهای کالبدی هم‌پیوند با معماری خانگی مورد واکاوی قرار داد. در ارتباط با برگزاری آیین‌های مذهبی در خانه نیز ساختارهای کالبدی هم‌پیوندی وجود دارند که می‌توان به مسجد سرخانه، تکیه سرخانه و مدرسه سرخانه اشاره نمود. در کنار خانه برخی روحانیون و علمای سرشناس مانند خاندان شیخ‌الاسلام، مسجدهای خردپیمونی وجود داشته که امامت و اداره آنها با خاندان مذکور بوده است. برخی از تجار نیز به خاطر بهره‌مندی از پاداش الهی و انجام کار خیر، بعد از آبادانی خانه خود در کنار آن مسجدی برای برگزاری نماز جماعت و آیین‌های مذهبی ایجاد می‌کردند. شاردن در این باره می‌نویسد؛ ایرانیان نخست خانه‌ای برای خود بنا می‌کنند. اگر ثروت و مالی باشد در نزدیکی آن، بازار، گرمابه، قهوه‌خانه، کاروانسرا و مسجدی بنا می‌کنند تا الطاف و برکات خداوند نصیب ایشان شود و اگر توان آنها بیشتر باشد پل‌ها و راه‌ها احداث می‌کنند (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۳). نمونه‌هایی از مساجد خردپیمون سرخانه در بافت تاریخی اصفهان قابل‌بازشناسی هستند؛ از آن جمله می‌توان به مسجد سرخانه حریری در محله دردشت اشاره کرد که در مجاورت خانه حریری در بافت تاریخی دردشت باقی مانده است. در خانه‌های برخی شخصیت‌های مذهبی نیز اتاق مجزایی به نام عبادتگاه وجود داشته که مخصوص برپایی مناسک مذهبی آن شخصیت به همراه شاگردان بوده

خانه - تعزیه

برگزاری تعزیه در ایام سوگواری در خانه‌های تاریخی اصفهان، باعث بروز نحو فضایی متناسب با کارکرد نمایشی در معماری مسکونی شده است. در میان مجموعه خانه‌های شیخ‌الاسلام در محله سینه پایینی اصفهان، خانه‌ای به فعالیت‌های دیوانی و اجتماعی شیخ‌الاسلام اختصاص داشته و همچنین این خانه، وقف برگزاری مراسم تعزیه و روضه‌خوانی بوده است. از این جهت، حیاط مخصوصی برای ورود و آماده‌سازی گروه تعزیه تعبیه شده و در ارتباط با آن، اتاق‌هایی برای استراحت، آماده‌سازی و تعویض لباس و ایوان بزرگی به‌عنوان صحنه برگزاری نمایش تعزیه، سازمان‌دهی شده است. ابعاد حیاط وسیع بوده و در جبهه شرق و غرب آن، صفه‌هایی برای نشستن تماشاگران ایجاد شده‌اند. در اسناد موقوفات خاندان شیخ‌الاسلام، برپایی ۱۶ روز تعزیه‌داری و ۶۰ روز مجلس عزاداری و موعظه از اول محرم تا آخر صفر در دیوان خانه ذکر شده است. جنب دیوان خانه نیز مسجد کوچکی ساخته می‌شود و امامت آن طی ۲۰۰ سال با برخی از اعیان شیخ‌الاسلام بوده است (مهدوی، ۱۳۷۱: ۱۹۹-۱۹۷). در خانه حبیب‌الله حبیبی خوانسار نیز پیرامون حیاط، غرفه‌ها و فضاهای نیمه‌بازی در سه طبقه به‌عنوان جایگاه تماشاگران تعزیه پیش‌بینی شده بودند، اما پس از گذر ایام به منظور پیشگیری وقوع حادثه برای عزاداران، یک طبقه آن را کاهش دادند (تسبیحی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). این خانه، دارای شش ورودی است که برای مدیریت بهتر جمعیت در مراسم عزاداری سازمان‌دهی شده و یکی از ورودی‌ها مختص ورود حیوانات در نمایش تعزیه بوده و به‌اروند وسیعی برای نگهداری حیوانات داشته است (همان: ۱۲۴-۱۱۵) (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

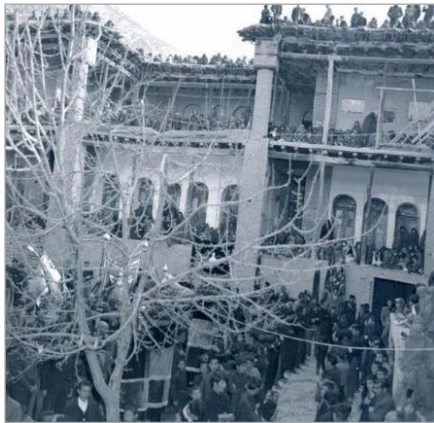
آتشدان در بام عمارت رکیب خانه که در دوران قاجار محل زندگی و خانه ظل السلطان بوده، بازشناسی شده است. همچنین در دوران قاجار، امراضی همچون وبا و طاعون همه گیر می شوند. برای رفع این بیماری ها عزاداری کرده و به ائمه اطهار متوسل می شدند و ادعیه ای را در رف های خانه نگهداری می کردند. نمونه ای از این دعاها در خانه کیوان بازشناسی شده است.^۵ برخی سقاخانه های اصفهان نیز مانند مسجد با برخی خانه های مقدس هم پیوند شده و نقش سقاخانه سرخانه را داشته است. سقاخانه مجاور خانه حاج آقا شجاع صمصام شریعت در محله پاقلعه، هم پیوند با خانه تاریخی منسوب به او است که در سال های متمادی بستر برگزاری عزاداری های مذهبی بوده است. مردم از آب سقاخانه برای تبرک و به نیت شفا می نوشند و با روشن کردن شمع، دعا و مرادطلبی می کنند.

همچنین، در بین ایرانیان معمول است که عصرهای پنجشنبه برای قرائت فاتحه به قبرستان بروند. دروویل در

است؛ مانند خانه میر محمد صادق، امام جمعه خوانسار. در این عبادتگاه، اسامی ائمه اطهار، اسامی پنج تن آل عبا و احادیث نبوی همچون «لَا فِتْنَةَ إِلَّا عَلَيَّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَفَارِ» (طبری، ۱۳۶۲: ۱۰۲۷) و «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (کنتوری، ۱۳۷۸) و آیه ۸۴ سوره اسراء «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» روی تخته های چوبی سقف خطاطی شده اند. همچنین، خانه مجیر در خمینی شهر نیز دارای فضای نمازخانه با ورودی مستقل است (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

آیین دعا و خاکسپاری ساکنان خانه

مسلمانان برای مرگ نیز آیینی دارند که غالباً ریشه در باورهای مذهبی آنها دارد. برخی از این آیین ها با خانه و میراث خانگی هم پیوند است. وقتی بیماری یکی از اهل خانه خطرناک بوده و مرگ او را تهدید می کرد، رسم بر این بود که روی بام خانه بیمار آتش روشن کنند تا به همسایگان اطلاع دهند که برای او به درگاه خداوند دعا کنند (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۳۱۷). جایگاه



تصویر ۱۱. مراسم عزاداری در خانه حبیب الله حبیبی حدود سال ۱۳۵۵ (اورعی، ۱۳۹۶: ۹۶)



- اتاق استراحت گروه تعزیه
- صحن برگزاری تعزیه
- اتاق آماده سازی
- حیاط مخصوص گروه تعزیه

تصویر ۱۰. فضاهای مربوط به برگزاری مراسم تعزیه در دیوان خانه شیخ الاسلام (پلان از حاجی قاسمی، ۱۳۷۷؛ تحلیل از نگارندگان)



- مسجد سرخانه
- خانه حریری
- ساباط

تصویر ۱۳. نقشه کاداستر محله دردشت و موقعیت خانه حریری و مسجد سرخانه (سازمان حفاظت آثار ملی، ۱۳۵۲)



تصویر ۱۲. تزئینات سقف در خانه میر محمد صادق خوانسار (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۹۷)

این باره می‌نویسد؛ «زنان ایرانی هر هفته بعد از ظهر پنجشنبه سر قبر پدر و مادر یا شوهر فقید خود رفته و بر سر قبر آنان اشک می‌ریزند» (دروویل، ۱۳۶۷: ۱۳۷). برخی از مشاهیر و اعیان برای سهولت انجام زیارت اهل قبور توسط اهل خانه، در نزدیکی خانه خود آرامگاه خانوادگی ایجاد می‌کردند که می‌توان به آرامگاه خانوادگی آقاجانی‌ها در نزدیکی مجموعه خانه‌های آقاجانی در محله حسن‌آباد و آرامگاه شفتی در مجاورت مجموعه خانه‌های شفتی در محله بیدآباد اشاره کرد. برخی از ثروتمندان نیز مرده‌های خود را به کربلا، نجف و اماکن متبرکه منتقل می‌نمایند (رایس، ۱۳۸۳: ۱۹۲). در واقع، ابتدا مرده را در باغ نزدیک منزل او دفن می‌کنند تا مقدمات لازم برای انتقال جسد به اماکن مقدس فراهم شوند (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۱۴۲). برخی شخصیت‌ها نیز در خانه شخصی خود دفن شدند که می‌توان به ملک‌التجار و امیرقلی امینی اشاره نمود. گاهی نیز در پی درگذشت اعضای خانواده، جملات و اشعاری را به صورت یادگاری‌نویسی و کتیبه‌نویسی در دیوارهای برخی فضاها به جای می‌گذاشتند. در خانه بهشتیان، مرگ یکی از افراد خانواده در سال ۱۲۴۲ ق. در دیوارهای اتاق یک دری جبهه غربی ثبت شده است.

تحولات اسباب و اثاثیه خانه

همان‌طور که برگزاری مراسم مذهبی اعم از جشن و عزاداری در سازمان‌دهی فضایی و کارکرد خانه تغییراتی حاصل می‌کند، در نظام چیدمان اسباب و اثاثیه خانه نیز تحولاتی ایجاد می‌شوند و پاره‌ای اسباب و وسایل نوظهور در این خانه‌ها مشاهده می‌شود. سنگاب‌های فلزی از جمله مواردی است که تنها در خانه‌هایی که بستر برگزاری مراسم عزاداری و جشن‌های مذهبی بوده، وجود داشته‌اند. این سنگاب برای ارائه آب آشامیدن و شربت و در برخی موارد نیز محلی برای انداختن سکه‌ها جهت نذورات

مردم بوده است. اشعار در مدح امام حسین (ع)، سروده‌های محتشم کاشانی و استفاده از اسمای اعظم الهی و از همه مهم‌تر دعای امام حسین (ع) در روز عرفه، ولایت‌نامه امام شهید و قسمتی از وصیت‌نامه امام حسین (ع) و زیارت صغیره عاشورا با ظرافت بر بدنه خارجی این سنگاب‌ها قلمزنی می‌شده است. در تصویر ۱۴ که نمونه‌ای از تصاویر برگزاری مراسم عزاداری در خانه‌های قاجاری است، سنگاب‌های فلزی در بین جمعیت قابل واکاوی هستند. در حال حاضر، چهار سنگاب فلزی در خانه ملک‌التجار باقی مانده است. همچنین، از نوعی "لنتر" که در کشورهای روسیه و فرانسه تولید می‌شد، برای تزئین حیاط اندرونی (سرپوشیده) این خانه استفاده شده؛ به طوری که درون آنها در جشن‌ها و اعیاد، آب و ماهی قرمز می‌گذاشتند (تصاویر ۱۴ و ۱۵).

بحث و جمع‌بندی

برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی در خانه‌های تاریخی اصفهان، باعث به وجود آمدن الگوی مشخصی از سبک زندگی محله‌ای شده است. در واقع، این خانه‌ها ارتباطات اجتماعی و پیوند عاطفی بین ساکنان محله‌ای را گسترش داده‌اند و به لحاظ عملکرد فرامسکونی و مذهبی، قدرت دعوت‌کنندگی مؤثری در بافت‌های تاریخی دارند. تمایز کارکردی این خانه‌ها نسبت به نمونه‌های دیگر - که صرفاً بستری برای روزمرگی‌های اهل خانه بودند - باعث تشخیص آنها در بافت تاریخی بوده است؛ به طوری که معمولاً این قبیل خانه‌ها مانند خانه‌های حاج آقا شجاع و بنکدار برای راهنمایی و ارائه آدرس در محلات، مینا قرار گرفته می‌شوند. تداوم نوع زندگی دین‌دارانه و برگزاری پیوسته آیین‌های مذهبی، باعث بروز تغییراتی در کالبد، معنا و کارکرد این خانه‌ها شده است. در واقع، نیروی حاصل از میل انسان‌ها به تماس با جهان دیگر که در ذهنیت‌ها، باورها و آیین



تصویر ۱۵. لنتر در خانه ملک‌التجار (نگارندگان)



تصویر ۱۴. سنگاب‌های فلزی در بین جمعیت سوگواران در خانه‌های قاجاری (URL: 1)

دو دسته کلی قابل بازشناسی هستند؛ دسته اول، خانه‌هایی که تغییرات در جهت‌یابی، سازمان‌دهی فضایی و تزئینات آنها حاصل شده و تحت تأثیر رویدادهای مذهبی خانه، فضاها و عناصر نوظهور و غیررایج -نسبت به خانه‌هایی که جریان روزمرگی در بستر خانه جاری است- به ساختار بنا اضافه شده‌اند. دسته دوم، خانه‌هایی که تحت تأثیر مراسم و باورهای مذهبی، فضاهایی هم‌پیوند با آنها در خارج مرزهای کالبدی خانه شکل گرفته‌اند مانند؛ مساجد و تکیه‌های سرخانه، سقاخانه و آرامگاه‌های خانوادگی (جدول ۲).

و مناسک مذهبی آشکار می‌شود، نیرویی قوی‌تر و مؤثرتر از نیازهای مادی انسان است. این نیروی ناپیدا، در نظم بخشیدن به ساختار خانه‌ها تأثیرگذار بوده است؛ اما چون از چشم‌ها پنهان است و در زیست انسان امروزی کمتر مداخله‌ای دارد، جایگاه آن در خواندن و فهمیدن میراث مسکونی مغفول مانده است. برای حفاظت این خانه‌ها باید انتظام مذهبی آنها را به خوبی فهم کرد و نسبت آن را با این آثار درک کرد و سپس بخش عملی حفاظت را آغاز نمود.

تأثیرات و تغییراتی که برگزاری مراسم و آیین‌های مذهبی مسلمانان در ساختار خانه تاریخی بر جای گذاشته، در قالب

جدول ۲. واکاوی تأثیرات تعامل پیوسته مراسم مذهبی مسلمانان در ساختار تعدادی از خانه‌های تاریخی شاخص اصفهان

نام خانه	دارای تغییرات و تأثیرات در سازمان‌دهی، جهت‌یابی و تزئینات	شکل‌گیری فضاهای مذهبی هم‌پیوند در خارج از مرزهای کالبدی خانه
ملک‌التجار	*	
ارسطویی	*	
بداللهی	*	
قوام‌نیا	*	
حاج آقا شجاع	*	*
زرگرباشی	*	
شیخ‌الاسلام	*	*
مشکی	*	
علافچیان	*	
قدوسی	*	
بنکدار	*	
حریری	*	*
حبیب‌الله حبیبی	*	
ظل‌السلطان	*	
شفتی	*	*
آقاجفی	*	*
کیوان	*	
بهشتیان	*	
میر محمد صادق	*	
میرزا محمود ملاباشی	*	
درمیانی	*	
مشیرالملک	*	
مجیر	*	

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

خانه در برگزاری آیین‌های مذهبی از حالت معمول خود خارج شده و به صحنه نمایش عظیم و گسترده‌ای تبدیل می‌شود. کالبد خانه، ناگزیر به تطبیق با نوع مراسم است؛ به عبارتی، پیکره خانه در تعامل تاریخی با مراسم آیین قرار می‌گیرد و در این تعامل است که هر کدام بر دیگری اثر می‌گذارند. برگزاری آیین‌ها و مراسم مذهبی در برخی خانه‌های تاریخی موجب شده که در ذهنیت مردم، این مکان‌ها به خانه‌های مقدس تعبیر شوند. خانه‌های مقدس اغلب استعاره‌ای قابل‌رؤیت برای رویدادی مذهبی محسوب می‌شده‌اند. رمزگشایی خانه‌های مقدس باعث می‌شود در فرآیند حفاظت، زمینه‌های لازم برای خواناسازی و جوهری که در تعامل با مبانی اعتقادی زیست‌کنندگان و برگزاری مناسک مذهبی بوده، ایجاد شوند. یکی از استعاره‌های فضایی که به‌طور نزدیک با خانه‌های مقدس که بستر برگزاری مناسک مذهبی هستند ارتباط دارد، جهت‌یابی و سازمان‌دهی فضایی و تفکیک جنسیتی است. در طی برپایی مراسم تعزیه، ساختار مرکز‌گرایی و در مراسم روضه‌خوانی، ساختار کانونی‌گرایی در جهت‌یابی و سازمان‌دهی فضایی رجحان داشته است. مرزبندی فضایی مقدس و نامقدس، افزایش و کاهش فضا و عناصر مرتبط، از دیگر تأثیرات و تحولات تعامل مراسم مذهبی و خانه بوده‌اند. پوشاندن سقف حیاط به‌طور موقت و دائمی، افزایش ایوان تعزیه، سکوی تعزیه، اتاق‌های خدماتی برای گروه تعزیه، تالار روضه‌خوانی، عبادتگاه، مسجد و سقاخانه، از جمله تحولاتی است که در راستای تعامل مراسم مذهبی مسلمانان در خانه‌های تاریخی اصفهان حاصل شده‌اند. با بررسی تاریخ ذهنیت مذهبی مردم در دوران صفوی و قاجار مشخص شد که نقوش و حجاری‌های روی دیوار، ابزاری برای بیان اعتقادات و باورها در خانه‌های مقدس بوده و معماران و هنرمندان با این نقوش، در پی روایت آیات و داستان‌های قرآنی، احادیث و اشعار حماسی برای مخاطبان اثر خود و آیندگان بوده‌اند.

یکی از مسائلی که امروزه در فرآیند حفاظت بناها و بافت‌های تاریخی شهر اصفهان مطرح است، بحران هویت ذهنی و فراموشی ارزش‌های معنوی در محلات تاریخی است. بازشناسی نظم آیینی در شکل‌گیری مبانی حفاظت خانه و بافت تاریخی پیرامون تأثیرگذار است. در واقع، برگزاری مراسم مذهبی، ماهیتی روایتگر و خاطره‌ساز به خانه اعطا می‌کند. خوانش فضایی مناسک دینی و تدوین شجره‌نامه فضایی برای مناسک، باعث باززنده‌سازی رویدادهای مذهبی و روح مکان در فرآیند حفاظت خانه می‌شود. میراث مسکونی اصفهان، پتانسیل میزبانی از رویدادهای مذهبی در مقیاس‌های مختلف را داشته است. در فرآیند حفاظت می‌توان از فرصت باززنده‌سازی رویدادهای مذهبی برای ایجاد تحرک در فرآیند بازآفرینی و حفاظت از معنای مکان و تداعی حس مکان استفاده کرد. وقوع رویدادهای مذهبی فراتر از مقیاس خانوادگی علاوه بر آنکه به معرفی خانه در سطح ملی و گاهی بین‌المللی منجر می‌شده، در مقیاس محله موجب افزایش سرزندگی و مشارکت در میان اهالی محله شده است. از این‌رو، در فرآیند حفاظت از بافت‌های تاریخی، شناسایی "خانه‌های رویدادمدار با بنیان‌های مذهبی" و تدوین مبانی نظری مبتنی بر باززنده‌سازی و تداوم رویدادهای خانه، اهمیت به‌سزایی دارد. علی‌رغم پراکنش خانه‌های رویدادمدار با بنیان‌های مذهبی در بافت تاریخی اصفهان، توجه به حفاظت از میراث مسکونی رویدادمدار در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و این در حالی است که برخی خانه‌های تاریخی اصفهان به واسطه ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی غنی، توانایی برگزاری رویدادها در مقیاس محلی تا بین‌المللی را در گذشته داشته‌اند. در ادامه این پژوهش، می‌توان به جایگاه نظم آیینی و ابژه‌های عزاداری مذهبی میراث مسکونی در انتخاب رویکرد و روش‌های حفاظت از این میراث پرداخت.

پی‌نوشت

- در برخی از این گزارش‌ها نیز به نقش حیاط و پوشاندن آن توسط سازه‌های چادری اشاره مستقیم شده است؛ «در خانه حاجی محمد صادق تاجر یزدی، مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادند. در آنجا چادر می‌زدند، محمد حسن بقال بالای بام رفته چادر می‌زده از بام افتاده، به مشارالیه صدمه وارد نمی‌آید...» (شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷: ۲۹۵). «دیشب میرزا نصرالله مستوفی با جمعی از علما و سادات در مجلس روضه‌خوانی آقا شعبان علی حریرفروش حضور داشتند. هنگامی که باد شدیدی می‌آمد، چند نفر رفته بودند طناب چادر خانه مشارالیه را محکم بکنند...» (همان: ۲۲۴). عبدالله مستوفی در کتاب "شرح زندگانی من"، به برگزاری



- مراسم روضه‌خوانی در خانه پدری اشاره می‌کند. او در آنجا علاوه بر اشاره به نحوه تعمیر پارگی و همچنین علم کردن چادر، نحوه فرش کردن حیاط و نحوه تقسیم کار بین افراد خانه، به چگونگی تخصیص فضاهای مختلف خانه به زنان و مردان و سایر طبقات اجتماعی نیز اشاره می‌کند؛ «دور و ور منبر و خرندهای مجاور، جای نشستن زن‌ها و روبه‌روی منبر و خرندهای مقابل، به مردها اختصاص داشت و تالار هفت دهنه سمت شمال، برای اعیان بود. اتاق‌های سه قسمتی مقابل آن، که در سمت جنوب واقع بود، به جوان‌های خانواده و رفقای برادرم آقا میرزا تعلق داشت. اتاق شمال حیاط کوچک و ایوان رو به حیاط بزرگ که پرده زنبوری جلوی آن کشیده بودند، به مناسبت دری که از ایوان سمت اندرون داشت، مخصوص خانم‌های خانواده و دوستان مادرم بود. پدرم در تالار از اعیان و رجالی که به روضه می‌آمدند پذیرایی می‌کرد...» (مستوفی، ۱۳۴۳: ۲۷۴ و ۲۷۵).
۲. طبق بررسی پرونده ثبت آثار ملی و مصاحبه‌های انجام‌شده با تیم مرمتگر خانه که مهندسین مشاور سپاهان طرح آرا به سرپرستی دکتر صنیع‌زاده بوده‌اند، مشخص شد کتیبه‌ها اصل و در زمان مرمت کتیبه‌ای خلق نشده، بلکه تنها سطوح رویه آنها تجدید اندود شده است. این کتیبه‌ها فاقد رقم تاریخ هستند (صنیع‌زاده، منتشر نشده).
۳. باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است این صبح تیره باز دمید از کجا کزو کار جهان و خلق جهان جمله در هم است گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عام که نامش محرم است در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند گویا عزای اشرف اولاد آدم است خورشید آسمان و زمین نور مشرقی نپرورده کنار رسول خدا حسین کشتی شکست‌خورده طوفان کربلا در خاک و خون تپیده میدان کربلا گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا نگرift دست دهر گلایی به غیر اشک ز آن گل که شد شکفته به بستان کربلا از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا آه از دمی که لشگر اعدا نکرد شرم کردند رو به خیمه سلطان کربلا آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد کشتی شکست‌خورده طوفان کربلا در خاک و خون تپیده میدان کربلا گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا نگرift دست دهر گلایی به غیر اشک ز آن گل که شد شکفته به بستان کربلا از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکند خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا آه از دمی که لشگر اعدا نکرد شرم کردند رو به خیمه سلطان کربلا آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد کشتی شکست‌خورده طوفان کربلا در خاک و خون تپیده میدان کربلا گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا
- ۴.

نگرفت دست دهر گلابی به غیر اشک
زان گل که شد شکفته به بستان کربلا
از آب هم مضایقه کردند کوفیان
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو و دد همه سیراب و
می‌مکنند خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا
زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا
آه از دمی که لشگر اعدا نکرد شرم
کردند رو به خیمه سلطان کربلا

آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد
۵. اللهم بحق الحسين و اخيه و جده و ابیه و امه و بنیه نجنا من الطعن و الطاعون و الوباء الذی نحن فيه یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا حی یا شافی یا حی یا کافی یا شافی یا معافی ارحمنا و خلصنا من الطعن و الطاعون و الوباء یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان من شر هذا الزمان. اللهم انک عفو کریم مجیب العفو فاعف عنا یا رب (امان‌البلیه، ۱۲۸۵ ق.)

منابع و مأخذ

- قرآن کریم (۱۳۶۱). ترجمه مهدی الهی‌قمشه‌ای، تهران: امیرکبیر.
- آرشو سازمان میراث فرهنگی (۱۳۹۷)
- آیوزیان، سیمون (۱۳۷۸). نگاهی به معماری منازل موجود در جلفا. دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. مجموعه مقالات سازمان میراث فرهنگی کشور. جلد ۱. تهران: شهروند. ۴۸۴-۴۷۵.
- امان‌البلیه [نسخه خطی] امان‌الله بن فتحعلی شاه (۱۲۸۵ ق.). **طلسم‌ها و تعویذها**. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- امین‌پور، احمد؛ مدنی، رامین و حیاتی، حامد (۱۳۹۶). بررسی چگونگی تجلی آموزه‌های سنتی در کالبد مسکن؛ نمونه موردی: خانه سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران. مدیریت شهری، ۱۶ (۳)، ۴۵۸-۴۳۵.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۰). **عیون اخبار الرضا**. ترجمه محمد تقی آفانجفی، قم: نبوغ.
- اورعی، محبوبه (۱۳۹۶). "طراحی مسکن در شهر خوانسار با رویکرد خانه‌های تاریخی منتسب به عصر قاجار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، معماری. مؤسسه آموزش عالی سپهر.
- ببری دیزج، مهربان (۱۳۸۸). انواع بیرق و کاربردهای آن در نتایج یک پژوهش عهد ناصری. **پیام بهارستان**، سال دوم (۵)، ۹۳۰-۹۰۴.
- بهشتیان، عباس (۱۳۴۳). **بخشی از گنجینه آثار ملی**. چاپ اول، اصفهان: حبل‌المتین.
- پدram، بهنام و حریری، آزاده (۱۳۹۵). خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان. **پژوهش‌های معماری/اسلامی**، سال چهارم (۲)، ۸۹-۷۴.
- پیربابایی، محمدتقی و سجادزاده، حسن (۱۳۹۰). تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. **باغ نظر**، سال هشتم (۱۶)، ۲۸-۱۷.
- تاورنیه (۱۳۶۳). **سفرنامه تاورنیه**. ترجمه حمید ارباب شیرانی، چاپ اول، تهران: کتابخانه سنایی.
- تسبیحی، محمدحسین (۱۳۷۶). **خوانسارنامه**. چاپ اول، پاکستان: نیلیه شاه.
- تقیان، لاله (۱۳۷۴). **درباره تعزیه و تناتر در ایران**. چاپ اول، تهران: مرکز.
- جیل‌عاملی، عبدالله (۱۳۷۵). خانه‌های اصفهان در دوران معاصر. **مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**. جلد ۴. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ۱۳۶-۹۹.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۷). **گنج‌نامه خانه‌های اصفهان**. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- حیدری، علی اکبر؛ قاسمیان اصل، عیسی و کیانی، مریم (۱۳۹۶). تحلیل ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران با استفاده از روش نحو فضا؛ مطالعه موردی: مقایسه خانه‌های یزد، کاشان و اصفهان. *مطالعات شهر ایرانی/اسلامی*، سال هفتم (۲۸)، ۳۳-۲۱.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۷). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ سوم، اصفهان: مانا.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). *صور ابتدایی حیات مذهبی*. ترجمه نادر سالارزاده، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دیبا، داراب؛ ریوالت، فیلیپ و سانتلی، سرژ (۱۳۹۲). *خانه‌های اصفهان*. ترجمه مریم قاسمی سیچانی، چاپ اول، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- راپاپورت، آمس (۱۳۶۶). *منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی*. ترجمه راضیه رضازاده، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها*. ترجمه اسدالله آزاد، چاپ اول، تهران: کتابدار.
- رنجبر، محمود و ستوده، هدایت‌اله (۱۳۸۰). *مردم‌شناسی متکی بر فرهنگ مردمی ایران*. چاپ اول، تهران: دانش آفرین.
- روزنامه چهره‌نما (۱۲۸۴). سال دوم، شماره ۱۱.
- رهروری پوده، ساناز؛ ولی بیگ، نیما؛ دهقان، نرگس و مسعود، محمد (۱۳۹۷). گونه‌شناسی کالبدی فضاهای اصلی خانه‌های چند طرف ساخت شهر اصفهان در گستره شکل تهرانگ. *صفه*، سال بیست و هشتم (۸۲)، ۱۴۸-۱۲۷.
- سازمان حفاظت آثار ملی (۱۳۵۲)
- سالک، سمانه؛ قرائتی، مهران و اولیاء، محمدرضا (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی خانه‌های بازرگانان ارمنی و اصفهان سده‌های یازدهم و سیزدهم هجری قمری با نگاه به عوامل اعتقادی و اجتماعی تأثیر گذار. *مطالعات تطبیقی هنر*، سال دوم (۴)، ۶۸-۵۳.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- شاردن، ژان (۱۳۷۹). *سفرنامه شاردن*. ترجمه حسین عریضی، چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.
- شیخ رضایی، انیسه و آذری، زهرا (۱۳۷۷). *گزارش‌های نظمیه از محلات تهران*. چاپ اول، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- صنیع‌زاده، عباس (منتشر نشده). «مرمت خانه ارسطوئی». مصاحبه توسط مریم قاسمی سیچانی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). *تاریخ الطبری، تاریخ الرسل و الملوک*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عباسی، مهدی (۱۳۷۱). *تاریخ تکایا و عزاداری قم: با گزیده‌ای از سروده‌های شاعران قمی و تصاویر تاریخی*. چاپ اول، قم: نور مطاف.
- عرب، یاسر (۱۳۹۷). *تهیه عکس جهت مستندسازی خانه‌های تاریخی اصفهان*.
- علی‌الحسابی، مهران و پای‌کن، عصمت (۱۳۹۴). *بازشناسی اثر آیین‌های عاشورایی بر شهر ایرانی، بررسی موردی: شهر لاهیجان*. *نامه معماری و شهرسازی*، سال هفتم (۱۴)، ۹۶-۷۷.
- فروغی ابری، اصغر (۱۳۸۸). *ایرانیان و عزاداری عاشورا: مراسم سوگواری در گذر تاریخ*. چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قاسمی سیچانی، مریم و حریری، آزاده (منتشر نشده) (الف). مصاحبه با مهدی کیوان نواده حاج زرگرباشی، دکترای تاریخ و استاد بازنشسته دانشگاه اصفهان. مکان مصاحبه: کتابخانه شخصی مهدی کیوان.
- قاسمی سیچانی، مریم و معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹). *گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان*. هویت شهر، سال چهارم (۷)، ۹۴-۸۷.
- قاسمی سیچانی، مریم؛ حریری، آزاده و پدرام، بهنام (۱۳۹۷). *تبیین نظام طبقه‌بندی اسناد و شواهد تاریخی در مطالعات میراث مسکونی اصفهان*. *پژوهش‌های تاریخی*، سال دهم (۳)، ۱۰۲-۷۷.
- کاراپتیان، کاراپت (۱۳۸۵). *خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان*. ترجمه مریم قاسمی سیچانی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.

- کارلا سرنا (۱۳۶۳). سفرنامه مادام کارلا سرنا. ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ اول، تهران: زوار.
- کنتوری، میرحامد حسین (۱۳۷۸). خلاصه عبققات الانوار؛ حدیث أنا مدینة العلم. تصحیح علی حسینی میلانی، ترجمه محمدباقر محبوب القلوب، تهران: مؤسسه نیا.
- کیوان، مهدی (منتشر نشده). "بررسی تاریخ شفاهی پیرامون خانه‌های تاریخی اصفهان". مصاحبه توسط مریم قاسمی سیچانی و آزاده حریری.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳). شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. چاپ پنجم، جلد ۱، تهران: زوار.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۷۱). خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال از علامه محقق سبزواری تا دکتر علی شیخ‌الاسلام. چاپ اول، اصفهان: گلبهار.
- میراحمدی، مریم (۱۳۶۹). دین و دولت در عصر صفوی. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). تحلیل و طراحی فضای شهری. چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی.
- Morier, James, j. (1812). **A journey through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinople, on the yeats 1808 and 1809.** London: Printed for Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown.
- URL 1: www.yeknet.ir (access date: 2019/08/30).



Received: 2019/02/04

Accepted: 2020/05/27

Investigating cultural aspects with the foundations of religious ceremonies in residential heritage with an emphasis on on the historic houses of the Muslims in Esfahan

Azadeh Hariri* Behnam Pedram** Maryam Ghasemi Sichani***

Abstract

1

Collective rituals have always had an influence on the body, the function and the content of houses with an interaction with them. Houses, with space and ritual functions have played a fundamental role in shaping the social structure of historical neighborhoods and the religious and cultural foundations of society. Holding religious ceremonies in every home has strengthened the social bonds of that home with society. In the Shiite culture, the mourning ceremonies held in Muharram and Saffar are of high semantic validity and constitute a set of rituals and ceremonies that have gradually become diverse and part of the community's culture. During the Safavid and Qajar periods, because of the role that religion played in the social life of society, specific places for worship were established, the most prominent of which were the Ashura rituals. The ambiguity of the role of religious communities and rituals in influencing the creation and perpetuation of Esfahan's residential heritage and neglecting these aspects in the process of conservation and recognition of architectural heritage has been the main motivation for the present study. This research seeks to answer how home-based religious rituals influence the semantic, functional, and physical aspects of residential heritage. The following question: How do the religious rituals and rituals of Muslims influence the structure of historic houses in Esfahan was answered in the present study by analyzing the interplay of Muslim rituals and rituals as one of the identity-religious foundations of Iranians in the content-functional and physical system of residential heritage, explaining changes and impacts on the structure of Esfahan historical houses to be paid. This research is a descriptive-analytical one with the objective of development and by adopting library documents, field studies and interviews. The findings are analyzed by qualitative method through comparison and interpretation. The results show that the interaction and continuity of religious rituals and historical houses in Esfahan have caused the creation of domestic mourning objects. These objects have been manifested in the form of expanding religious spaces and elements outside the physical boundaries and in conjunction with home and changes in spatial organization, hall form, furnishings and architectural-related decorations.

Keywords: Historical houses of Esfahan, Religion and ritual, Homemade mourning

* PH.D. student in Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. haririarc@gmail.com

** Associate Professor in Restoration of historic monuments and sites, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran, (Corresponding Author) b.pedram@aui.ac.ir

*** Assistant Professor in Architectural, Islamic Azad University Isfahan Branch(Khorasgan), Isfahan, Iran. mghasemi@khuisf.ac.ir